



« احمد شریف پور

از تبل غازی تا تبله عطار

به صورت مداوم با خود حمل می‌کند ثبت شده و در یک بانک اطلاعاتی ذخیره می‌شود. این بانک اطلاعاتی می‌تواند بعدها برای یافتن موارد فراموش شده، استخراج فعالیت‌ها و یادآوری خاطرات و مواردی از این قبیل مورد جست‌وجو قرار بگیرد. به این ترتیب آقای بل همواره حافظه‌ای بدون محدودیت، بدون فراموشی و از همه مهم‌تر قابل جست‌وجو در اختیار دارد.

تبلت‌ها با قابلیت حمل فوق‌العاده و با توانایی پردازشی که روز به روز قدرتمندتر می‌شود و به کمک حسگرهایی که هر روز موارد و شرایط بیشتری را پایش و ثبت می‌کنند، در آینده‌ای نه چندان دور می‌توانند به خوبی چنین کاربردی را همه‌گیر کنند. عجین شدن این پدیده با ارتباطات پرسرعت بی‌سیم و دسترسی به سرویس‌های ابری یا کلاود می‌تواند تنها محدودیت این ابزارها را در زمینه حجم فضای ذخیره‌سازی نیز به بهترین صورت برطرف کند. ترکیب این عوامل با یکدیگر دستگامی را پدید می‌آورد که می‌تواند در هر لحظه و هر جا اطلاعات مکانی صاحبش را ثبت کند، به کمک دوربین‌هایش از مناظر اطراف وی عکس بردارد، مکالمه‌های او را ضبط کرده یا حتی با حسگرهایی که اکنون دیگر چندان تخیلی به نظر نمی‌رسند احساسات و وضعیت فیزیولوژیک او را نیز به این حجم انبوه اطلاعات بیافزاید. به این شکل شاید یکی از مهم‌ترین کاربردهای تبلت‌ها در آینده کمک به ذهن بشر باشد و این نمونه‌ای از کاربردهایی است که با بلوغ و تکامل تبلت‌ها شاهد کاربری آن‌ها خواهیم بود.

شاید آن زمان به جرأت بتوانیم ادعا کنیم که تبلت‌ها، این ابزارهای محبوب ما، از «تبل‌های غازی بلندآواز میان تھی» به ابزارهایی تبدیل شده‌اند که مصداق کامل «تبله عطار خاموش و هنرنامی» خواهند بود.



زمان تب رقابت میان سازندگان فروکش کرده بود، امکانات و قابلیت‌های یک پی‌سی تعریف شده و استاندارد بود و دیگر کسی «پی‌سی الف» را تنها به واسطه داشتن و نداشتن یک درگاه ارتباطی یا قابلیتی منحصر به فرد به «پی‌سی ب» ترجیح نمی‌داد. در عوض یافتن راهکارهای تازه برای مسائل قدیمی، توسعه برنامه‌های کاربردی و به عبارت بهتر یافتن راه‌های تازه برای استفاده از یک ابزار تثبیت شده، به مرکز توجه تمام فعالان تبدیل شده بود.

از دید من تبلت‌ها نیز تنها پس از گذار از چنین مرحله‌ای به کارکرد و جایگاه واقعی خویش دست خواهند یافت. پیش از آن باید مشخصات پدیده‌ای به نام «تبلت» به وضوح و از طریق انتخاب‌های کاربران مشخص شود. منظور من از مشخصات، مواردی ساده از قبیل اندازه و کیفیت تصویر نمایشگر، نیازهای ارتباطی، درگاه‌ها و قابلیت‌های تعاملی، نوع و تعداد حسگرها و... است. پس از آن و هنگامی که ویژگی‌های سخت‌افزاری تبلت‌ها استاندارد شده و به واسطه استاندارد شدن، از حوزه توجه کاربران خارج شد و تولیدکنندگان را نیز از تب رقابت در حیطه سخت‌افزار به رقابت در عرصه نرم‌افزار و خدمات کشانید، کاربران خواهند توانست براساس نیازهای واقعی خود و براساس دایره خدمات و قابلیت‌های موجود دست به انتخاب بزنند.

تکامل

یکی از کاربردهایی که در ذهن من با تبلت‌ها عجین شده است، کمک به حافظه انسانی است. در پرونده ویدئو‌ای که در شماره ۹۳ مجله به چاپ رسید از پروژهای به نام My Life Bits صحبت شده بود که طی آن زندگی یکی از کارمندان مایکروسافت به نام «گوردون بل» به صورت دائم و لحظه به لحظه توسط دوربین‌ها و حسگرهایی که

به احتمال همه طرفداران برندهای خاص یا استفاده‌کنندگان دستگاه‌ها و ابزارهای دیجیتال موافق خواهند بود که آنچه بسیار بیشتر و بسیار پیش‌تر از هر محصولی بازار، کاربران و مشتاقان را درگیر کرده و تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، هاپ یا به اصطلاح جوی است که در غالب موارد توسط سازندگان این دستگاه‌ها و به عمد پیرامون آن‌ها شکل می‌گیرد. هیچ یک از ما شک نداشته و نداریم که آینده جولانگاه سیستم‌های محاسباتی سبک و قابل حمل خواهد بود. هیچ شکی نداریم که این رده از محصولات با رشدی انفجاری روندی را که PCها در دهه ۹۰ میلادی طی کردند، با سرعتی بیشتر طی کرده و به ابزارهای اصلی پردازش در دنیا تبدیل خواهند شد و در این رهگذر سودهای کلانی را نیز به جیب تولیدکنندگان سرازیر خواهند کرد.

از همین رو و با این ملاحظات است که تمام تولیدکنندگان این دستگاه‌ها به شدت در تلاش هستند تا از همین امروز با داغ کردن این جو مشتری‌ان و فاداری برای خود دست و پا کرده و سود آینده را از هم‌اکنون تثبیت کنند. در چنین روزهایی اغراق‌ها و بزرگ‌نمایی‌هایی که درباره ویژگی‌های محصولات متنوع با آن‌ها رو به رو می‌شویم بسیار بیشتر از امکانات و کاربردهای واقعی آن محصول خواهد بود.

اما از دید من این ابزارها هنوز در دوران طفولیت خود به سر می‌برند و تافراگیری آن‌ها، کاربردی شدن و حتی با کمی اغراق مغفید واقع شدن آن‌ها راهی طولانی در پیش است، اما نه به درازای راهی که پی‌سی‌ها پیمودند.

خارج از جو

بیایید به مثال پی‌سی‌ها بازگردیم. با این‌که دوران فراگیری و مرسوم شدن پی‌سی‌ها به اواخر دهه ۸۰ و تقریباً تمام دهه ۹۰ باز می‌گردد، اما این ابزارها در زمانی به نسبت دورتر (شاید از اواسط دهه ۹۰) به جایگاه واقعی خویش دست یافتند. زمانی که جو شکل گرفته در اطراف آن‌ها از بین رفته بود، به کالایی عادی و استاندارد تبدیل شده بودند و افراد براساس نیازهای واقعی خود (کاربردهایی که در ابتدای دوره فراگیری پی‌سی‌ها هنوز مرسوم نبود و وجود نداشت) به خرید این دستگاه‌ها اقدام می‌کردند. در این